مجید ابهری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

احتمال به صحنه آمدن آرای خاکستری ضعیف است

بین وعده و عمل کاندیداها فاصله افتاده است

برخی وعده‌هایی که داده می‌شود در چارچوب وظایف نمایندگی مجلس نیست

آرمان ملی- احسان انصاری: «برخی از مسئولان کوچک‌ترین انتقادها را برنمی‌تابند و آن را به کشمکش‌های پشت پرده و یا آشکار تبدیل می‌کنند. نکته دیگر اینکه آنچه حائز اهمیت است پیگیری مطالبات مردم است و نه دادن شعار و وعده‌هایی که امکان تحقق نداشته باشد. مردم از نمایندگان مجلس انتظار دارند در شرایط سخت معیشتی و اقتصادی به عنوان مدافع آنها وارد میدان شوند. این در حالی است که برخی از نمایندگان در آخرین لحظات استیضاح یک وزیر امضا خود را پس می‌گیرند. این وضعیت نشان می‌دهد که برخی از کسانی در انتخابات خود را کاندیدا می‌کنند که از شرایط لازم برای نمایندگی مردم برخوردار نیستند.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر مجید ابهری، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. ابهری در این گفت‌وگو به مهم‌ترین عوامل جامعه شناختی انتخابات آینده پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

واکنش جامعه به تحرکات انتخاباتی برای حضور کاندیداها در مجلس آینده به چه صورت است؟ آیا جامعه در حال آماده کردن خود برای برگزاری یک انتخابات پرشور است؟

انتخابات یکی از مهم‌ترین ابزار مردم‌سالاری در هر جامعه‌ای است. در واقع مردم به واسطه انتخابات می‌توانند سلایق و دیدگاه‌های خود را مطرح کنند و کسانی را به مجلس بفرستند که دیدگاه‌های آنها را نمایندگی کنند. با این وجود برخی واقعیت‌های جامعه را نمی‌توان نادیده گرفت. واقعیت‌هایی که ممکن است شرایط انتخابات را تحت تأثیر قرار بدهد. در شرایط کنونی مردم کشور با گرانی، تورم، بیکاری و چالش‌های اقتصادی مواجه هستند که این مسائل می‌تواند در میزان مشارکت مردم در انتخابات تأثیرگذار باشد و میزان مشارکت را کاهش بدهد. نکته دیگر اینکه باید بین انتخابات ریاست جمهوری و مجلس تفاوت قائل شد. در انتخابات ریاست جمهوری همه مردم در مقابل کاندیداهایی قرار دارند که قرار است کشور را اداره کنند در حالی که در انتخابات مجلس انتخابات به صورت محلی و منطقه‌ای برگزار می‌شود و به همین دلیل نیز شرایط متفاوت است. به همین دلیل حضور و یا عدم حضور مردم در انتخابات به شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بستگی دارد. از همین نشانه‌ها می‌توان تشخیص داد که آیا مردم در انتخابات به صورت گسترده مشارکت خواهند داشت و یا خیر. اگر شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مطلوب باشد مردم در انتخابات شرکت خواهند کرد و در غیر این صورت نمی‌توان انتظار زیادی برای حضور مردم در انتخابات داشت. در انتخاباتی که ما در گذشته برگزار می‌کردیم همواره دو جریان سیاسی حضور داشته‌اند که مردم از آنها حمایت می‌کردند و براساس شعارها و برنامه‌هایی که به مردم ارائه می‌کردند مورد حمایت قرار می‌گرفتند. آرای خاکستری که نقش تعیین کننده‌ای در انتخابات دارد نیز براساس شرایط انتخابات به سود هر کدام از جریان‌های سیاسی در حالت نوسان قرار داشته است. این در حالی است که در انتخابات آینده شرایط آرای خاکستری نیز وضعیت پیچیده‌ای دارد و احتمال به صحنه آمدن آنها ضعیف است.

چرا احتمال به صحنه آمدن آرای خاکستری را در انتخابات آینده ضعیف می‌دانید؟

واقعیت این است به دلیل اینکه در انتخابات گذشته وعده‌های زیادی به مردم داده شده اما به این وعده‌ها عمل نشد مردم نسبت به کاندیداهای انتخاباتی با بی‌اعتمادی نگاه می‌کنند و فعالیت آنها را در زمان انتخابات بیشتر برای رأی آوری می‌دانند. مردم در انتخابات گذشته به این نتیجه رسیده‌اند که بین حرف و عمل کاندیداهای انتخاباتی فاصله است و هر کاندیدای که در انتخابات به پیروزی دست پیدا می‌کند نه تنها نسبت به وعده‌هایی که به مردم داده بی‌تفاوت است بلکه برخی حاضر نیستند نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند. به همین دلیل نیز هرچه انتخابات بیشتری در کشور برگزار شد میزان مشارکت در انتخابات کاهش پیدا کرد. به عنوان مثال آخرین انتخابات ریاست جمهوری که در کشور برگزار شد نسبت به انتخابات گذشته با میزان مشارکت کمتری همراه بود. مردم از نمایندگان مجلس انتظار دارند صدای آنها باشند. در واقع نماینده مجلس باید صدای مردم کوچه و بازار و خیابان باشد. مردم انتظار دارند اگر مدیری در مسیر صحیح حرکت نمی‌کند و یا تصمیمی می‌گیرد که برخلاف خواسته‌های آنها است نمایندگان در مقابل آن بایستند و تلاش کنند وی را به مسیر صحیح برگردانند. در واقع انتظار مردم از نمایندگان مجلس حرکت در مسیر خواسته‌های آنها و برخورد با مدیرانی است که برخلاف مسیر آنها حرکت می‌کنند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بیش‌ترین تعداد انتخابات در تاریخ ایران برگزار شده است. هدف اصلی جمهوری اسلامی نیز مشارکت مردم در تصمیم گیری‌هایی بود که به شکل‌های مختلف به سرنوشت آنها ارتباط پیدا می‌کرد. با این وجود هرچه از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته میزان دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌ها به دلایل مختلف و از جمله تنگ‌نظری‌های برخی افراد کاهش پیدا کرد. این در حالی است که در اغلب کشورها احزاب نقش مهمی در شکل دهی و جهت دهی به آرای مردم دارند و تلاش می‌کنند آرای مردم با ارائه برنامه‌های خود به سمت خود بکشانند. این در حالی است که این وضعیت در ایران وجود ندارد و انتخابات به صورت فصلی و بدون برنامه ریزی برگزار می‌شود.

در شرایط کنونی نیز برخی از کاندیداهای انتخاباتی که تأیید صلاحیت شده‌اند فعالیت‌های انتخاباتی خود را آغاز کرده‌اند و وعده‌هایی می‌دهند که احتمال عملی شدن آنها ضعیف است. در چنین شرایطی مردم چگونه می‌توانند به این کاندیداها اعتماد کنند؟

متأسفانه این اتفاق در حال رخ دادن است و برخی کاندیداهای انتخاباتی وعده‌هایی به مردم می‌دهند که امکان تحقق آنها ضعیف است. کسانی که قصد دارند در انتخابات کاندیدا شوند در ابتدا باید نسبت به وظایف نمایندگی و مسئولیت سنگینی که قرار است برعهده بگیرند تأمل و دقت کنند و سپس در انتخابات حضور پیدا کنند. این در حالی است که برخی از نمایندگان در شرایط کنونی وعده‌هایی به مردم می‌دهند که در چارچوب وظایف نمایندگی مردم نیست و آنها نمی‌توانند به وعده‌های خود عمل کنند. از همین نقطه است که بین حرف و عمل خواسته‌های مردم فاصله ایجاد می‌شود. در شرایط کنونی یازده دوره از مجلس شورای اسلامی را پشت سر گذاشته‌ایم و به همین دلیل باید وظایف و بایدها و نبایدهایی کسانی که قصد دارند در انتخابات حضور پیدا کنند مشخص شده باشد. این در حالی است که متأسفانه شرایطی را مشاهده می‌کنیم که برخی که خود را کاندیداهای حضور در مجلس می‌دانند هنوز با وظایف و اصول نمایندگی آشنایی ندارند و تنها برای منافع شخصی در انتخابات حضور پیدا کرده‌اند. براساس قانون جمهوری اسلامی و رهنمودهای حضرت امام(ره) هیچ چیزی بالاتر از اراده مردم نیست و به همین دلیل اگر نماینده‌ای بخواهد خارج از این قاعده وقانون حرکت کند باید با وی به شکل دیگری برخورد کرد. در شرایط کنونی کسانی باید وارد مجلس شوند که باری از دوش مردم در زمینه اقتصادی بردارند و قوانینی را تصویب کنند که سبب بهبود وضعیت معیشتی مردم شود. برخی از مسئولان کوچک‌ترین انتقادها را برنمی تابند و آن به کشمکش‌های پشت پرده یا آشکار تبدیل می‌کنند. نکته دیگر اینکه آنچه حائز اهمیت است پیگیری مطالبات مردم است و نه دادن شعار و وعده‌هایی که امکان تحقق نداشته باشد. مردم از نمایندگان مجلس انتظار دارند در شرایط سخت معیشتی و اقتصادی به عنوان مدافع آنها وارد میدان شوند. این در حالی است که برخی نمایندگان در آخرین لحظات استیضاح یک وزیر امضا خود را پس می‌گیرند. این وضعیت نشان می‌دهد که برخی از کسانی در انتخابات خود را کاندیدا می‌کنند که از شرایط لازم برای نمایندگی مردم برخوردار نیستند.

> **در انتخاباتی که ما در گذشته برگزار می‌کردیم همواره دو جریان سیاسی حضور داشته‌اند که مردم از آنها حمایت می‌کردند و براساس شعارها و برنامه‌هایی که به مردم ارائه می‌کردند مورد حمایت قرار می‌گرفتند. آرای خاکستری که نقش تعیین کننده‌ای در انتخابات دارد نیز براساس شرایط انتخابات به سود هر کدام از جریان‌های سیاسی در حالت نوسان قرار داشته است. این در حالی است که در انتخابات آینده شرایط آرای خاکستری نیز وضعیت پیچیده‌ای دارد و احتمال به صحنه آمدن آنها ضعیف است**

اغلب چهره‌های اصلاح‌طلب برای حضور در انتخابات ردصلاحیت شده‌اند و به احتمال زیاد در انتخابات آینده اصولگرایان با هم رقابت خواهند کرد. این وضعیت چه تأثیری بر روند میزان مشارکت مردم در انتخابات دارد؟

در شرایط کنونی اصلاح طلب یا اصولگرا بودن کاندیدای انتخاباتی حائز اهمیت نیست و بلکه آنچه اهمیت دارد تحقق خواسته‌های مردم است. امروز بخش‌هایی از جامعه مدت‌هاست که گوشت را در سفره‌های خود نمی‌بینند و با شرایط سختی زندگی می‌کنند. به همین دلیل اگر وضعیت کشور به همین صورت باشد و تغییری در وضعیت زندگی مردم صورت نگیرد امید چندانی به حضور پررنگ مردم در پای صندوق‌های رأی وجود نخواهد داشت. امروز با توجه به شرایط کشور کارشناسان و تحلیل گران سیاسی به دنبال این هستند که میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس دوازدهم به چه صورت خواهد بود تا درباره آینده تحلیل کنند. واقعیت این است که جامعه ایران از نظر رفتارشناسی سیاسی به حد اشباع از وعده‌ها رسیده است. به همین دلیل دیگر سخنرانی کردن ودادن وعده نمی‌تواند مردم را به پای صندوق‌های رأی بکشاند. امروز مردم می‌دانند کسانی که قبل از انتخابات وعده‌های بزرگ و غیرواقعی می‌دهند تنها به فکر پیروزی در انتخابات هستند و نه تحقق خواسته‌های مردم. به همین دلیل تا زمانی که شرایط تغییر نکند نمی‌توان نسبت به حضور پررنگ مردم در مجلس امیدوار بود.

> **در شرایط کنونی مردم کشور با گرانی، تورم، بیکاری و چالش‌های اقتصادی مواجه هستند که این مسائل می‌تواند در میزان مشارکت مردم در انتخابات تأثیرگذار باشد و میزان مشارکت را کاهش بدهد. نکته دیگر اینکه باید بین انتخابات ریاست جمهوری و مجلس تفاوت قائل شد. در انتخابات ریاست جمهوری همه مردم در مقابل کاندیداهایی قرار دارند که قرار است کشور را اداره کنند در حالی که در انتخابات مجلس انتخابات به صورت محلی و منطقه‌ای برگزار می‌شود و به همین دلیل نیز شرایط متفاوت است**

یادداشت

گوشه‌گیری دولت‌های عربی در جنگ غزه

جلال خوش چهره
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

«حافظ اسد» رئیس جمهور سابق سوریه در میانه تلاش میانجیگرانه «هنری کیسنجر» وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده در جنگ ۱۹۷۳م اعراب و اسرائیل، به طنز و هشدار به او (کسینجر) گفته بود؛ «شما در خلیج خوک‌ها در کوبا (۱۹۶۲م) وارد جنگ شدید، اما سرانجام آنجا را ترک کردید. در ویتنام از دهه ۱۹۶۰م وارد جنگ شدید، اما آنجا را نیز به اجبار در سال ۱۹۷۳ به حال خود رها کردید. روزی هم خواهد رسید که خاورمیانه را نیز ترک کنید؛ درحالی‌که آن هنگام ما (اعراب) می‌مانیم و اسرائیل!» هشدار این سیاستمدار زیرک عرب به کیسینجر، تکان دهنده بود؛ به ویژه آنکه اعراب همچنان به «یکصدایی» در برابر اسرائیل و حمایت از فلسطین پای بندی نشان می‌دادند. این گرایش به اندازه‌ای بود که حتی رویکرد «انورالسادات» را برای شروع گفت‌وگوهای صلح با اسرائیل مورد دشمنی قرار داده و مصر را از جرگه اعراب اخراج کردند. مصر تا همین اواخر بیرون از اتحادیه عرب مانده بود. امروز اما دولت‌های عربی با دوران «تکصدایی» خود در برابر اشغالگری اسرائیل، فرسنگ‌ها فاصله گرفته‌اند. باور باید داشت که رهبران کشورهای عربی با آن زمانکه هیچ رهبر عربی نمی‌توانست به خود اجازه دهد هر کاری مانند تعامل سازش‌کارانه با اسرائیل داشته باشد، تفاوت کرده‌اند. آنان همه تحقیرهایی که در پی جنگ‌های ۱۹۴۷، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ برملت‌های عرب وارد شد را به باد فراموشی سپرده‌اند. دو تحقیر بزرگ در دهه‌های اخیر یعنی جنگ عراق و توافقنامه ابراهیم را نیز به دیده اغماض نگریسته و بلکه در انجام آن مشارکت نیز داشته‌اند. این وضع متفاوت از گذشته‌ای است که دولت‌های عربی به رغم تمایل پنهان و آشکار خود در ایجاد تعامل سازشکارانه با اسرائیل، همواره از تضادهای موجود میان منافع و امنیت خود با مردمانشان نگران بودند. اکنون دولت‌های عربی بیش‌ترین تلاش را برای حفظ خود، معطوف به ارتقای ظرفیت‌های اقتصادی و پاسخ به مطالبات رفاه مردم خود کرده‌اند. این امر به ویژه پس از بهار عربی در سال ۲۰۱۱ میلادی به بعد، در دستور کار قرار گرفته و همچنان ادامه دارد. آنان چنان عمل می‌کنند که مصداق این ضرب‌المثل است: «ما (اعراب و اسرائیل) یک مزرعه را شخم می‌زنیم.» جنگ غزه مصداق بارزی است براین واقعیت که «هویت عربی» که زمانی با آرمان «رهایی فلسطین» معنا می‌گرفت و سبب بسیج عمومی اعراب می‌شد، حالا یا به شدت آسیب دیده و یا تعصب به آن، کنار گذاشته شده است. دلایل این وضع چند عامل اصلی است: نخست؛ فقدان یک ایدئولوژی یا اندیشه هژمونیک دارای مقبولیت عمومی مانند آنچه روزگاری به «ناصریسم» یا «پان عربی» معروف بود. دوم؛ کم رنگ شدن باورهای دینی در تأثیرگذاری بر تعصب دولت‌های عربی برای دفاع از آرمان فلسطین و رهایی قدس از اشغال. سوم؛ پررنگی «معمای قدرت» در میان نه تنها دولت‌های عربی بلکه سراسر خاورمیانه. چهارم؛ سوداگری دولت‌ها از موضوع فلسطین. پنجم؛ دور شدن کشورهای عربی از شناسه «بادیه نشینی» که تا خیلی پیش از این نزد خارج نشینان خاورمیانه چنین تعریف می‌شدند. کشورهای عربی حالا می‌خواهند شبیه غرب، الگویی از «دولت رفاه» را به خود گرفته و نزد مردمانشان چنین بنمایند. بنابراین، آرمانگرایی انقلابی را به پستوی خاطرات خود برده‌اند. ششم؛ کارنامه ناموفق حاکمیت فلسطینی در ارائه یک دولت قوی و منسجم به سرخوردگی‌ها از اعتماد به رهبران فلسطینی نزد دولت‌ها و بلکه ملت‌های عربی انجامید. بحران حاکمیت در منطقه کرانه باختری، ناتوانی رهبران گروه‌ها و سازمان‌ها در ایجاد توافق میان خود، بیش‌ترین بهانه و توجیه را نزد دولت‌های عربی و اسرائیل داد که بیرون از منافع و آرمان فلسطین به معاشقه با یکدیگر بپردازند. هفتم؛ ارتکاب اشتباه بزرگ جریان‌های فلسطینی در ناکامی و ایجاد دولتی قوی و منسجم که سبب تحمیل خود به عنوان یک واقعیت حاکمیتی نزد همگان جلوه کند. آنان از همان زمان تشکیل دولت خودگردان دچار «بحران حاکمیت» شدند؛ یعنی ضعف در متغیری کلیدی که دولت را از بیشتر واحدهای اجتماعی خود جدا کرد و همان چسبی که سرزمین، حکومت یک دست و مردم فلسطینی را به یکدیگر می‌توانست پیوند دهد. مردم مظلوم و بی‌دفاع فلسطین اکنون یکه و تنها، قربانی جنگ، کشتار هستند که هر روز نظامیان اسرائیلی بر آنان تحمیل می‌کنند. فلسطینیان امروز به همه دلایلی که در بالا آمد، همچنان آواره و ضربه پذیرتر از گذشته شده‌اند. چنین به نظر می‌رسد توافقی عمومی است که برخلاف آنچه روزگاری «حافظ اسد» به کسینجر هشدار داد، امروز فلسطینیان با اشغالگران اسرائیلی تنها باقی مانده‌اند.

خبر

جلال میرزایی:

مقایسه با قبل انقلاب به دردسخنرانی می‌خورد

یک نماینده سابق مجلس در واکنش به سخنان یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص تورم اظهار داشت: آنچه آقای مصباحی مقدم گفتند الان تازگی دارد، تا ۲۰ سال پیش خاطرم هست بسیاری از سخنرانان و کارشناسانی که به صداوسیما می‌آمدند به خصوص نمایندگان مجلس و دولتمردآنکه دعوت می‌شدند و یا تریبونی در اختیارشان قرار می‌گرفت، معیار مقایسه‌شان برای بیان دستاوردهای قبل و بعد از انقلاب بود، یعنی می‌گفتند ما قبل از انقلاب این بودیم و بعد از انقلاب چنان شدیم. جلال میرزایی گفت: درباره بحث برخورداری روستاها از نعمت برق، گاز، جاده، مدرسه و بسیاری از موارد زیربنایی، اقدامات بعد از انقلاب را تقریبا تا ۲ دهه با قبل از انقلاب مقایسه می‌کردند و حدود ۲۰ سال است که این معیار منسوخ شده است. یعنی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و بخشی از جامعه به خصوص قشر تحصیل‌کرده از این مقایسه استقبال نمی‌کنند. تعجب می‌کنم آقای مصباحی‌مقدم که اقتصاد خوانده است، دستی در سیاست دارد و سال‌ها نماینده مجلس بوده، باید در جریان تغییراتی که در جامعه رخ می‌دهد باشد و بداند برای تبیین دستاوردها و یا بیان علل ناکامی دیگر این معیار قبل و بعد از انقلاب کارآیی خودش را از دست داده است. وی یادآور شد: امروز بسیاری از جوانان و دانشگاهیان و حتی فعالان سیاسی شرایط کشور را در زمینه‌های اقتصادی با معیارهای دیگر مقایسه می‌کنند. میرزایی عنوان کرد: این‌که مقایسه قبل از انقلاب کنیم برای سخنرانی و تبلیغات سیاسی خوب است.

نگـره

زوایای دبش از فساد چای دبش

فساد ۳.۷ میلیارد دلاری چای دبش به‌تازگی توسط قوه قضاییه افشا شده است. امضاءکنندگان نامه بهمن ماه ۱۴۰۱ به محمد مخبر، معاون اول رئیس جمهور که در آن نسبت به وجود انحصار واردات چای به یک شرکت خاص اعتراض کرده بودند، می‌گویند وزارت جهاد کشاورزی در جریان این فساد، از ثبت سفارش‌های این شرکت بی‌اطلاع نبوده چون معاون بازرگانی این وزارتخانه مسئولیت ثبت سفارش را برعهده داشته است.

نقش اتحادیه چای در فساد شرکت دبش چه بود؟

اما یکی از نهادهایی که در جریان این فساد نامی از آن برده نشده، «اتحادیه بازرگانان صنایع بسته‌بندی چای ایران» یا به اختصار «اتحادیه چای ایران» است. به تازگی انتخاباتی در این اتحادیه انجام شده و تغییراتی به وجود آمده و شهریار داریانی به عنوان رئیس اتحادیه انتخاب شده است. در زمان رخداد فساد واردات چای دبش، هیات مدیره وقت به لحاظ دستورکار سازمانی وظیفه داشته تخلفات را گزارش کند ولی هیچ عکس‌العملی در رسانه‌ها منتشر نشده است. «حمیدرضا موثقی» رئیس سابق اتحادیه چای کشور در زمان رخ دادن فساد در واردات چای توسط شرکت دبش بوده است. او از داوران مسابقه «میدون» است و به عنوان کارشناس حوزه چای رفت‌وآمد زیادی به صداوسیما دارد و ورودش به صنعت چای به واسطه حضور پدرش در این صنعت بوده است. در توضیح زمینه فعالیت اتحادیه در وب‌سایت اصلی آمده است که «وظیفه ساماندهی امر صادرات، واردات، تولید، صنایع بسته‌بندی و توزیع چای حفظ توازن و نظم و فراهم کردن امکان بهره‌برداری بیشتر از سرمایه‌گذاری و تولید چای» را برعهده دارد. به این ترتیب انتظار می‌رفت همه شرکت‌های تولیدکننده، واردکننده و صادرکننده چای در زمان ریاست موثقی از امتیاز برابر برخوردار باشند. موثقی یکبار در سال ۱۳۹۷ در گفت‌وگو با شبکه یک صداوسیما گفته بود «با اعطای امتیاز مساوی به همه شرکت‌ها مخالف است.» او در برنامه فرمول یک گفته «کسی که قرار است ارز ۴۲۰۰ تومانی کمیاب را بگیرد باید در صنعت چای اهلیت داشته باشد.» او در ادامه منظورش از اهلیت را تشریح کرده و گفته «من عضوی در اتحادیه دارم که ۵۴۰۰ نفر پرسنل رسمی بیمه‌شده دارد.» «اکبر رحیمی درآباد» و «حمیدرضا موثقی» در اتحادیه بازرگانان و صنایع بسته‌بندی چای کشور همکار بوده‌اند. «شرکت چای‌سازی چهارده معصوم جیرگوابر» متعلق به موثقی، نقطه عطف ارتباط اکبر رحیمی و حمیدرضا موثقی است. تقریبا تمامی اعضای هیات مدیره، بازرسان و سایر مدیران این شرکت از نزدیکان اکبر رحیمی و از اعضای هیات مدیره شرکت چای دبش هستند. اما چرا باید به این ارتباطات شرکت چای دبش و رئیس سابق اتحادیه چای ایران توجه داشت؟ دلیل اصلی آن امتیازات و تسهیلاتی است که در دوره ریاست موثقی به شرکت چای دبش داده شده است، به همین دلیل در این جریان باید نقش هیات مدیره اتحادیه چای و افراد مرتبط با آن در این تخلف را بازبینی کرد و دید آیا نقش آن‌ها تنها سکوت بوده یا توزیع امتیازات خاص هم در دستورکار این نهاد بخش خصوصی قرار داشته است؟

چای سنواتی در شرکت چهارده معصوم

گزارش‌ها نشان می‌دهد سال ۹۹ کارخانجات چای گیلان نامه‌ای خطاب به دادستان شهرستان املش نوشته و در آن از انبار شدن مقادیر زیادی چای سنواتی کشف شده در کارخانه «یکی از برندهای معروف چای کشور» شکایت کرده‌اند. در همان زمان «فیروز سرودی» معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی استان گیلان نامه‌ای خطاب به مدیر شبکه بهداشت و درمان شهرستان املش نوشته و در آن نام این برند معروف را افشا کرده است. در این نامه به «نتایج آزمون چای نمونه‌برداری شده از کارخانه چای‌سازی چهارده معصوم واقع در املش» اشاره شده و گفته شده چای مورد نظر فاقد ویژگی‌های بهداشتی لازم جهت مصرف انسانی و عرضه به بازار بوده است. شرکت چای چهارده معصوم شرکت اقماری چای دبش است. به اذعان اعضای اتحادیه چای استان گیلان که به طور مستمر چای‌های تولیدی‌شان را به برندهای چای بزرگ می‌فروشند، شرکت چای چهارده معصوم در واقع یک شرکت تابعه از شرکت چای دبش است. یکی از اعضای اتحادیه به رویداد۲۴ گفته این ارتباط بر هیچ یک از اعضا پوشیده نیست و به گونه‌ای است که چایکاران زمان تحویل محصولاتشان به کارخانه چای چهارده معصوم، کارت شرکت چای دبش را دریافت می‌کنند. یکی از مدیران سندیکای چایکاران شمال گفته «همه کاره شرکت چهارده معصوم در واقع آقای رحیمی، مدیرعامل شرکت چای دبش است.» ماجرای نامه چایکاران به دادستان املش در سال ۱۳۹۹ و افشای تخلف شرکت چای چهارده معصوم این بوده که چایکاران و مقامات گیلان در آن مقطع متوجه شده‌اند، شرکت چای دبش، چای‌های ۲۰ سال پیش را در انبارهای واقع در کرج کارخانه چای چهارده معصوم نگهداری می‌کند. در پرونده فساد واردات چای، عمده تخلف در همین جا صورت گرفته است. چای بی‌ارزش و غیر قابل شرب سنواتی ایران توسط این شرکت‌ها خریداری شده، صادر شده و دوباره تحت عنوان چای خارجی وارد شده است. یک منبع آگاه به رویداد۲۴ گفته «شرکت چای دبش، چای‌های سنواتی ایران را به هند و امارات صادر کرده و از آنجا با بسته‌بندی جدید تحت عنوان چای خارجی بار دیگر وارد ایران کرده است.»